

عملکرد نظام سیاسی عربستان در قبال نسل اول تا سوم حقوق بشر

سید قائم موسوی^۱

سید علی فعال نظری^۲

چکیده

پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ روی داد. این اعلامیه شامل فهرستی از حقوق خاص و غیر قابل واگذاری همه انسان‌ها است. در سال ۲۰۰۶ نیز شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تأسیس شد. این مقاله قصد دارد به بررسی وضعیت حقوق بشر از زمان تأسیس کشور عربستان سعودی در سال ۱۹۳۲ بپردازد. بدین منظور ضمن پرداختن به مبانی حقوق بشر، عملکرد پادشاهی عربستان در تطابق با سه نسل حقوق بشر مورد واکاوی قرار می‌گیرد. مقاله به روش تحلیلی-توصیفی و گردآوری شده با اسناد کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش است که عملکرد نظام سیاسی عربستان در قبال نسل اول تا سوم حقوق بشر چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وضعیت حقوق بشر عربستان سعودی در تطابق با مفاد سه نسل حقوق بشر در سیاست داخلی و خارج از جمله مشارکت سیاسی مردم، حقوق اقلیت‌ها و زنان، شکاف طبقاتی، آزادی بیان و مطبوعات و همچنین رفتار تهاجم نظامی به سایر کشورها، مورد انتقاد مجامع بین‌المللی نیز قرار دارد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، عربستان، نسل حقوق بشر، سازمان ملل، خاورمیانه

^۱ دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول)

ghaemmousavi745@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا دانشگاه مفید، قم، ایران

مقدمه

پس از جنگ دوم جهانی، مباحث نظری حقوق بشر از اهمیت بسیار زیادی برخوردار شد. حقوق بشر معاصر گفتمانی ریشه‌دار از تجارب تاریخی بشر در طی قرن‌ها با فراز و نشیب‌های مختلف جنگ و صلح، فلسفه و قانون و مبانی چندبعدی است که سعی دارد ابتدا حداقل حقوق انسانی را تبیین و همگان را برای رعایت و احترام به این حقوق، صرف نظر از رنگ، جنس، مذهب، ملت و نژاد و دیگر خصوصیات ترغیب و تا حد امکان تضمین کند. عربستان سعودی یک پادشاهی مبتنی بر شریعت اسلامی است. پادشاه، حاکم کشور و فرمانده نیروهای نظامی و نیز در رأس نظام سیاسی بوده و مرجع فرجام‌خواهی احکام قضایی است و قادر است فرمان عفو صادر کند. پادشاه، یکی از اعضای خاندان سلطنتی را به‌عنوان ولیعهد انتخاب می‌کند تا در انجام وظایف به وی کمک کند. پادشاه به‌وسیله شورای وزیران و یا کابینه‌ای حکمرانی می‌کند که از سوی خود منصوب می‌شوند. وزارتخانه‌های کلیدی چون کشور، خارجه و دفاع به‌وسیله اعضای خاندان سلطنتی اداره می‌شوند. این کشور از زمان پیدایش در سال ۱۹۳۲، هیچ قانون اساسی نوشته‌شده‌ای ندارد (همیانی، ۱۳۹۴: ۵۹). پژوهش به دنبال بررسی سیاست داخلی و خارجی نظام سیاسی عربستان در حوزه حقوق بشر است. از همین رو، این مقاله به روش تحلیلی و توصیفی و گردآوری‌شده با اسناد کتابخانه‌ای قصد دارد به این پرسش پاسخ دهد که عملکرد نظام سیاسی عربستان در قبال نسل اول تا سوم حقوق بشر چیست؟ فرضیه مقاله این است که نظام پادشاهی عربستان سعودی از بدو تشکیل در سال ۱۹۳۲ دارای عملکردهای متعدد نقض حقوق بشر در تطابق با مفاد سه نسل حقوق بشر در سیاست داخل و خارج بوده که می‌توان به کاهش مشارکت سیاسی حداکثری اقشار مختلف، وجود محدودیت‌ها برای اقلیت‌ها و زنان، افزایش شکاف طبقاتی، ضعف آزادی بیان و مطبوعات و همچنین رفتار سیاست خارجی تهاجمی چون حمایت و یا حمله نظامی به سایر کشورها اشاره داشت. این وضعیت نقض حقوق بشر، موردانتقاد مجامع بین‌المللی نیز قرار گرفته است.

تعریف حقوق بشر

تعریف‌های ارائه شده برای حقوق بشر عبارت است از:

<p>رویکرد حقوق طبیعی</p>	<p>۱. حقوق بشر حقی‌هایی برگرفته شده از طبیعت بشر است که انسان‌ها صرفاً به دلیل انسان بودن از آن‌ها برخوردار می‌شوند، بدون ملاحظه هر نوع حق و تکلیفی که افراد ممکن است به‌عنوان شهروند، یا اعضای یک خانواده یا به‌عنوان بخشی از سازمان‌های خصوصی و عمومی و انجمن‌ها، بهره‌مند باشند.</p> <p>۲. حقوق بشر به معنای امتیازات کلی است که طبعاً هر فرد انسانی دارا است.</p> <p>۳. حقوق بشر توانایی‌های طبیعی است که طبیعت روحی و عقلی و غریزی و جسمانی آدمی آن را اقتضا دارد.</p> <p>۴. حقوق بشر مجموعه حق‌های طبیعی است که در تملک انسان بوده و با طبیعت او همراه است، این حقوق، همیشه با انسان موجود است، اگرچه به‌طور کامل مورد شناسایی قرار نگرفته باشد یا حتی از سوی حکومتی نقض شود.</p>
<p>رویکرد پوزیتیویستی</p>	<p>حقوق بشر به معنای شایستگی‌ها و امتیازاتی تلقی می‌شوند که در حقوق موضوعه شناخته شده‌اند. پس عبارت است از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت‌های لازم از آن برخوردار می‌باشند.</p>
<p>رویکرد دینی</p>	<p>در تعریف با رویکرد دینی به منشأ الهی حقوق بشر نیز اشاره شده است: حقوق بشر، حقوق بنیادین و پایه‌ای است که هر انسان از آن جهت که انسان است، فارغ از رنگ، نژاد، ملیت، جغرافیا و اوضاع و احوال اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی و هر عنوان عارضی دیگر بر او، از خداوند دریافت کرده است.</p>

منبع: (محسنی و طالبی، ۱۳۹۷: ۱۹-۱۸)

شکل‌گیری اعلامیه حقوق بشر

در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ منشور ملل متحد در سانفرانسیسکو در پایان کنفرانس ملل متحد به امضاء رسید و در ۲۴ اکتبر همان سال لازم‌الاجرا گردید. بر اساس منشور مزبور سازمانی بین‌المللی به نام سازمان ملل متحد به‌عنوان مرکزی جهت هماهنگی اقداماتی در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، جلوگیری از جنگ و تجاوز، توسعه روابط دوستانه و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تأسیس شد. پس از تشکیل سازمان ملل، بنا به پیشنهاد کمیسیون تدارکاتی سازمان (که مأمور تهیه و تشکیل ارکان اصلی سازمان بود) و تصویب مجمع عمومی، شورای اقتصاد اجتماعی «کمیسیون حقوق بشر» را تشکیل داد. مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ به کرامت انسانی و حقوق متساوی برای کلیه آحاد بشر به‌عنوان پایه‌های اساسی آزادی، عدالت و صلح در جهان اشاره دارد. اگرچه هدف عمده نویسندگان اعلامیه مشخص کردن حقوق ضروری و آزادی‌های اساسی انسان طی یک میثاق رسمی بین‌المللی بوده است تا همواره حقوق و وظایف اعضای جامعه جهانی را برای آن‌ها یادآوری نماید؛ اما لحن و کلام اعلامیه فاقد قاطعیت لازم برای ملزم ساختن کشورها بود. بعد از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر را موظف کرد تا تهیه میثاق حقوق بشر و مکانیسم اجرایی آن را در دستور کار خود قرار دهد. به دنبال بحث و مناقشات زیاد سرانجام در سال ۱۹۶۶، بعد از قریب به بیست سال مذاکره مستمر و پرهیجان دو سند مهم بین‌المللی به‌صورت عهدنامه درباره حقوق بشر تنظیم شد که عبارت بودند از: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی فرهنگی که مفاد آن‌ها در واقع تکرار اعلامیه جهانی حقوق بشر است که به قواعد الزام‌آور حقوق تبدیل شده است (نادر پور و مقصدی، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

یکی از جمله مهم‌ترین توافقاتنامه‌ها، اعلامیه و برنامه عمل وین ۱۹۹۳ است، که جهان‌شمولی حقوق را مورد تأکید قرار می‌دهد. در این اعلامیه از مجمع عمومی سازمان ملل

خواسته شده بود که مسئله تأسیس نهادی به نام «کمیساریای عالی حقوق بشر» را در دستور کار خود قرار دهد که مجمع عمومی در چهل و هشتمین اجلاس خود آن را تصویب کرد و تأسیس شد. همچنین باید از «پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» نام برد؛ که در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ از سوی مجمع عمومی تصویب و از ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا گردید. این پروتکل به این منظور تنظیم شده است که به کمیته حقوق بشر اجازه و صلاحیت رسیدگی به شکایات افراد از دولت‌ها مبنی بر نقض حقوق مقرر در میثاق از سوی دولت‌هایشان داده شود (پیشین، ۱۳۰).

باید گفت که حقوق بشر، حق‌های جهان‌شمول، ذاتی و غیرقابل سلب هستند که انسان‌ها به خاطر انسان بودنشان به صورت برابر بایستی از آن‌ها بهره‌مند گردند. جهان‌شمولی، ذاتی و غیرقابل سلب بودن، ویژگی‌های حق‌هایی است که انسان‌ها به دلیل حیثیت و کرامت باید به‌طور برابر و یکسان از آن‌ها برخوردار شوند. حق‌هایی فرا فرهنگی هستند که پیوند آن‌ها با حیثیت و کرامت انسانی ویژگی ذاتی و غیرقابل سلب بودن به آن‌ها داده است (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

ابعاد جهانی حقوق بشر

در بحث از جهان‌شمولی حقوق بشر، سه الگوی نظری متفاوت وجود دارد که هر یک برداشت خاصی از جامعه بین‌المللی و نقش آن در حقوق بین‌المللی دارند: موضوعی در شمول صلاحیت. یکی، الگوی دولت‌گرایی سنتی است که حقوق بشر را اساساً ملی و دولت را دارای حاکمیت در نظر می‌گیرد؛ دوم الگوی جهان‌گرا یا جهان‌وطنی که افراد را بر دولت‌ها ترجیح می‌دهد و اغلب دولت‌ها را مشکل‌آفرین تلقی می‌کند؛ و سوم، الگوی بین‌الملل‌گراها که شکل‌گیری اجماع راجع به هنجارهای حقوق بشر بین‌المللی را مورد تأکید قرار می‌دهند و بدون اینکه تداوم نقش محوری دولت‌ها را نفی کنند، بر جامعه بین‌المللی دولت‌ها تأکید دارند. الگوی بین‌الملل‌گراها، تا اندازه‌ای درست‌ترین توصیف از

جایگاه حقوق بشر را در روابط بین‌الملل معاصر ارائه می‌دهد؛ اما بهترین شیوه برخورد با حقوق بشر در روابط بین‌الملل نیست. با وجود این، واقعیتی که ما با آن روبه‌رو هستیم واقعیت حاکمیت مستقل و قابل ملاحظه دولت‌ها است که با محدودیت‌های قابل قبولی در جامعه بین‌المللی دولت‌ها ریشه دوانیده است (فروغی نیا، ۱۳۹۱: ۱۶۸).

در عصر جدید، حقوق سیاسی به‌عنوان شاخه‌ای از حقوق بشر یا حقوق شهروندی، ریشه در دوران روشنگری و آثار افرادی چون هابز، روسو، لاک و... دارد. اگرچه برخی ریشه این حقوق را در دوران یونان باستان و در آثار افلاطون و ارسطو یافته‌اند؛ اما در دوران جدید برای اولین بار هابز در لویاتان معروف خود مبحث شهروندی و حقوق آن را مطرح نمود. شهروندی در معنای مدرن آن متشکل از سه نوع حقوق اساسی است: حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی (نش، ۱۳۹۵: ۱۹۰). همچنین، در خصوص رابطه بین سیاست خارجی و حقوق بشر، سه حوزه قابل بیان است: نخست فراگیر شدن تدریجی هنجارهای حقوق بشری در جامعه بین‌المللی؛ دوم چالش حاکمیت دولت‌ها توسط معیارهای بین‌المللی حقوق بشری؛ سوم رابطه متقابل حقوق بشر با توسعه، صلح و امنیت بین‌الملل است (سجادپور و محمدی، ۱۳۹۱: ۲۴۸). البته امروزه حقوق بشر در روابط بین‌الملل از هویت فزاینده‌ای برخوردار است.

بسیاری از اسناد حقوق بشر به‌عنوان گسترش‌دهنده اعلامیه جهانی سازمان ملل درباره حقوق بشر (۱۹۴۸) شکل گرفته‌اند؛ از جمله:

- میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی (۱۹۶۶)؛
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (۱۹۶۶)؛
- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۴)؛
- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۷۸)؛
- منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۶)؛
- اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام (۱۹۹۰)؛

- اعلامیه سازمان ملل راجع به حق بر توسعه (۱۹۸۶)؛
- کنوانسیون علیه شکنجه یا سایر مجازات یا رفتارهای غیرانسانی بی رحمانه؛
- کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان؛
- کنوانسیون حقوق کودک؛

گرچه تمامی این اسناد وجود دارند، ولی هنوز هم نقض گسترده حقوق بشر در دنیا جریان دارد، هم در درون و هم بین حکومت‌ها. علت این «شکاف تبعیت» عوامل مختلفی از جمله اولویت دادن به حقوق سیاسی و مدنی از سوی غرب است (ابوصدیق منسرای، ۱۳۸۶: ۶۳ و ۶۴ و ۶۵).

مؤلفه سیاسی حقوق شهروندی در موارد گوناگون اسناد حقوق بشر از جمله ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و موارد گوناگون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است. عمده‌ترین حقوق مدنی و سیاسی شهروندان که در زمره حقوق بشر نیز جای می‌گیرد را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- ۱- حق برابر افراد در آزادی بیان (شامل آزادی تک‌تک افراد و رسانه‌ها) (ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر)
- ۲- حق برابر افراد در تشکیل اجتماعات سیاسی (ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر)
- ۳- حق برابر افراد برای اظهارنظر در موضوعات عمومی
- ۴- حق برابر افراد در مشارکت سیاسی (ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

و به شکل خاص:

- ۱- حق برابر افراد برای انتخاب کردن
- ۲- حق برابر افراد برای انتخاب شدن

۳- حق برابر افراد برای رقابت سیاسی و ...

آنچه مشخص است میان حقوق سیاسی، به تبع آن حقوق بشر و دموکراسی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ چنانکه عملی شدن حقوق دموکراتیک شهروندان اساساً مبتنی بر پذیرش و شناسایی حقوق سیاسی آنان است (بشیریه، ۱۳۸۱: ۴۰).

نسل‌های حقوق بشر

حقوق بشر نیز مانند هر نظام حقوق دیگر قواعد، مقررات و هنجارهایی دارد که بایستی به تحولات اجتماعی زمان و تحولات فکری و فرهنگی تغییر یابد تا بتواند از عهده تنظیم روابط، خصوصاً تکالیف و ضمانت اجرای تعهدات اجرای موازین حقوق بشر برآید. در گذر زمان و تغییر ماهیت حقوق بشر، تدوین قواعد جدید حقوقی، با دقت بسیار زیاد و روزافزون و در هر مقطع زمانی به گونه‌ای متفاوت متجلی شده و باعث نسل بندی انواع حقوق بشر شده (لوسین زهادی، ۱۳۸۳: ۲۱۷)؛ به گونه‌ایکه امروزه سخن از نسل‌های سه‌گانه حقوق بشری است.

نسل اول حقوق بشر

حقوق مندرج در نسل اول بر محور آزادی می‌چرخند و در حقیقت همان حقوق مدنی و سیاسی می‌باشند که بر آزادی‌های مدنی شهروندان تأکید می‌کنند. این حقوق که اساساً حقوق افراد در برابر دولت‌ها است و آزادی آن‌ها را در برابر دولت‌ها تضمین می‌کند، در ضمن اعلامیه‌های حقوق در **قرن ۳** معرفی شد و به صورت فزاینده در متون قانونی داخل گردید و اساس هجده دموکراسی‌های لیبرال را تشکیل داد (سرآمد و پژمان، ۱۳۹۵: ۵۴). نسل اول حقوق بشر ضامن امنیت و آزادی انسان در مقابل قدرت عمومی و دیگر افراد است. آزادی رفت و آمد، حق حیات، رهایی از شکنجه و دادرسی عادلانه از جمله آن‌ها است. این نسل از حقوق، همچنین

امکان مشارکت افراد در اداره امور سیاسی را فراهم می‌نماید و با برخورداری آن‌ها، رشد فردی و اجتماعی فرد در جامعه ممکن می‌گردد. به این ترتیب آزادی اندیشه، بیان، آزادی اجتماعات و تشکل‌ها و همچنین حقوق و آزادی‌های سیاسی و انتخاب حاکمان از طریق انتخابات آزاد از جمله حقوق نسل اول است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۶۱).

نسل دوم حقوق بشر

حقوقی که در نسل دوم حقوق بشر دسته‌بندی شده‌اند، معطوف به اصل برابری اند؛ و در واقع همان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشند که بر برخورداری مساوی و شایسته شهروندان از خدمات دولت تأکید می‌کنند. تحولات اجتماعی و اقتصادی در جریان قرن نوزده و نیمه اول قرن بیستم در اروپا، ناکافی بودن حقوق نسل اول را برای پاسخ گفتن به مطالبات انسان‌ها روشن ساخت و باعث شد که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مانند حق کار و حق آموزش از متن آن تحولات پدیدار شوند. این حقوق به‌ویژه توسط ایدئولوژی‌های سوسیالیستی مطرح شد و بعد از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) در سیستم‌های حقوقی کشورها به‌عنوان اصول قانونی درج گردید. مراحل اساسی توسعه قانونی شدن این حقوق، درج آن‌ها در قوانین اساسی مکزیک در ۱۹۱۷، قانون اساسی آلمان (جمهوری وایمار) در ۱۹۱۹، و قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۳۶ بود. بعداً این حقوق، در کنار حقوق نسل اول، در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز درج گردید (سرآمد و پژمان، ۱۳۹۵: ۵۴). مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز میثاق ۱۹۶۶ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در یک مقدمه و ۳۱ ماده، از جمله مهم‌ترین اسنادی هستند که به ذکر این حقوق پرداخته است. این حقوق به تعبیر هنری شو، به حقوق مثبت نام‌گذاری شده و بیشتر دارای معنایی ایجابی است. لازمه این گونه تعبیر؛

تکلیف و تعهد دولت‌ها به تمهیدات لازم در حد توان موجود است (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۵: ۶۲).

نسل سوم حقوق بشر

شرایط و تحولات بعد از جنگ جهانی دوم، از بین رفتن رقابت‌های بلوک شرق و غرب و نیز فعالیت بیش از پیش کشورهای در حال توسعه، تولد و تکوین نسل سوم حقوق بشر را **در اواخر سال ۱۲۱۴** به همراه داشت (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۶۳). حقوق نسل اول و نسل دوم هر دو حقوق فردی اند و به افراد انسانی، صرف‌نظر از تعلقات آن‌ها به گروه‌های اجتماعی، تعلق دارند؛ اما تحولات گسترده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سطح جهان بعد از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه در دوران جنگ سرد و مطرح شدن مسائل مهمی همچون آلودگی هوا و تخریب محیط‌زیست، مشخص شد که صرفاً با حقوق آزادی و برابری برای افراد نمی‌توان به مطالبات انسان‌ها در جهان جدید پاسخ گفت. مسئله از اینجا ناشی می‌شود که بعضی از مطالبات انسان‌ها را نمی‌توان به صورت حقوق فردی تعریف کرد. مثال صلح، بهداشت محیط‌زیست و حاکمیت ملی، از جمله حقوق چه کسی باید تعریف شود؟ روشن است که این حقوق را نمی‌توان به افراد انسانی متعلق دانست. پس آیا جوامع و گروه‌های انسانی، به حیث گروه یا جامعه، مستحق حقوقی شناخته می‌شوند یا نه؟ (سرآمد و پژمان، ۱۳۹۵: ۵۵).

این حقوق در ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌کند که هر فردی حق دارد از نظم اجتماعی و بین‌المللی‌ای برخوردار باشد که حقوق اعلام شده در این اعلامیه بتواند در چارچوب آن نظم، به‌طور کامل محقق شود.

نسل سوم حقوق بشر شامل ۶ حق ادعا شده است:

۱. حق تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی؛

۲. حق برخورداری از توسعه اقتصادی و اجتماعی؛

۳. حق سهم شدن در «میراث مشترک بشریت» و بهره‌مندی از آن (منابع زمینی - فضایی مشترک، سایر اطلاعات و پیشرفت‌های فنی و علمی و آثار تاریخی، اماکن و سنت‌های فرهنگی)؛

۴. حق برخورداری از صلح؛

۵. حق برخورداری از محیط‌زیست سالم و پایدار؛

۶. حق برخورداری از کمک‌های بشردوستانه به هنگام وقوع بلایا؛

تمام شش حق مذکور، به‌عنوان حقوق جمعی یا همبستگی مطرح شده‌اند که مستلزم تلاش‌های مشترک همه نیروهای اجتماعی هستند. شایان ذکر است که هرچند نسل بندی حقوق بشر در گذر زمان و بروز تحولات اجتماعی و پویایی عرصه بین‌المللی اتفاق افتاده است؛ ولیکن در این قالب می‌توان بهتر مسئولیت‌های افراد و گروه‌ها و نیز راه‌حل‌های بین‌المللی و داخلی جهت تدارک و حفاظت از این حقوق را معین نمود. چنانکه هم‌اکنون شاهد بروز نسل چهارم حقوق بشر با مصادیقی از قبیل حق بر شبیه‌سازی انسان، حق تغییر جنسیت، حق سقط‌جنین، حق پیوند اعضاء و حق بر لقاح مصنوعی هستیم (اعلامیه جهانی حقوق بشر).

سرشت نظام سیاسی عربستان سعودی

سیستم سیاسی عربستان تا اندازه‌ای منحصر به فرد است. «ساختار قدرت در عربستان سعودی مبتنی بر نظام اقتدارگرایی، پدرسالاری سیاسی و مذهبی است» (رضوانی فر، ۱۳۹۲: ۱۲۷). این نظام قرابت بسیاری با بافت نئوپاتریمونیالیستی دارد و از ویژگی‌های انحصار و شخصی بودن قدرت، فقدان نهادهای سیاسی دموکراتیک، دیوانسالاری ناکارآمد و شخص محور، انحصارطلبی سیاسی، اتکاء به نیروهای مسلح و امنیتی، استفاده ابزاری از مذهب، وجود مناسبات خویشاوندی و قبیلگی به جای ترتیبات رسمی و قانونی، برخوردار است (یزدانی، ۱۳۹۵: ۱۰-۹).

رسوبات قبیله ای مانع از شکل گیری دموکراسی در این کشور است. ستون خیمه این نظام بر محور پدرسالاری سیاسی-مذهبی استوار است. بهجت کورانی، حکومت عربستان را در چارچوب نظام های استبدادی طبقه بندی نموده است (Korany, 1990: 456). انتخابات سراسری آزاد به عنوان نماد دموکراسی در آن برگزار نمی شود. توزیع مناصب سیاسی بدون توجه به خواست و نظر مردم از یکسو و فقدان شاخص های توانمندی های تخصصی-مدیریتی و صرفاً با توسل به آیتم های خونی-وفاداری به خاندان حکومتی انجام می پذیرد. «تاریخ سیاسی عربستان فارغ از خلافت عثمانی، تاریخ دگرگونی های قبیله ای، اتحادها و اختلاف های آنهاست» (نساج و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۸). پس از تاسیس و تثبیت در دهه ۱۹۳۰ «پادشاه در ساختار قدرت سیاسی عربستان هسته مرکزی است.» (امامی، ۱۳۸۰: ۲۱۰-۲۰۹). پادشاه یگانه مرجع ذیصلاح برای مدیریت کلیه مسائل لشکری و کشوری است. فرمانده نیروهای مسلح و صاحب نقش محوری می باشد. بر همین نمط هیچگونه پاسخگویی مبتنی بر قانون و قاعده توسط شاه سعودی، در این بافت سیاسی قابل تصور نیست (زراعت پیشه، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

نمودار هرم حکومتی عربستان را می توان به صورت مخروطی مجسم کرد که در راس آن پادشاه حضور دارد. تا سال ۱۹۹۲ فاقد قانون اساسی مدون و مجلس قانونگذاری بود. نهاد قانونگذاری آن نیز از شخصیت قانونگذاری به معنای دموکراتیک و امروزی آن محروم است. برای نمونه اعضای مجلس نه توسط مردم و با ساز و کار انتخابات، که توسط پادشاه و با صلاحدید او منصوب می شوند. در مواجهه با حقوق اقلیتها، پشتوانه مذهبی حکومت مانع از انجام اصلاحات اساسی و اعطای آزادی بیشتر به آنها می شود. وهابیها به تمایزات درون دینی حساسیت زیادی دارند و برای مثال شیعیان را از صهیونیستها خطرناک تر می-شمارند و برای طرد مخالفان خود به اصل تکفیر متوسل می شوند (Ibrahim. 2006: 20).

عملکرد نظام سیاسی عربستان در قبال سه نسل حقوق بشر

در ادامه به بررسی عملکرد نظام عربستان در قبال سه نسل حقوق بشر می‌پردازیم:

۱. نسل اول حقوق بشر

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد این نسل از حقوق بر امکان مشارکت افراد در اداره امور سیاسی و رشد فردی و اجتماعی فرد تأکید دارد. از همین رو برای بررسی این بخش به وضعیت احزاب و اقلیت‌ها و همچنین آزادی بیان و مطبوعات پرداخته می‌شود:

الف) وضعیت احزاب و مشارکت سیاسی:

در عربستان قانون اساسی مدون و رسمی وجود ندارد. از ویژگی‌های حاکمیت آل سعود نسبت به دیگر رژیم‌های جهان، نبود سیستم اداری مشخص و تعیین شده برای دولت و حاکمیت است. درحالی‌که در حاکمیت‌های ملی و دولت-ملت‌ها کشور با سه قوه قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی اداره می‌شود، در رژیم سعودی قوای سه‌گانه در یک قوه که همان قوه اجرایی است خلاصه شده است (نژندی منش، فیروزی، ۱۳۹۶: ۱۷۰). با این حال، برخی گروه‌های سیاسی یا بنیادگرای اسلامی به شکل زیرزمینی در خارج و داخل کشور فعال هستند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: حزب کمونیست عربستان سعودی (به‌عنوان یک حزب غیر پویا و صرفاً عقیدتی)، حزب التحریر الجزیره (رهبری شیعی)، الاخوان، جامعه المسجد و جماعت الدعوة (اسدی، ۱۳۹۰: ۲۶۳).

ب) وضعیت اقلیت‌ها و آزادی بیان و مطبوعات

سرکوب خشونت‌بار شیعیان عربستان با قتل، شکنجه و دادگاه‌های ناعادلانه بن سلمان علیه آنان به گونه‌ای تشدید یافته است که به تعبیر برخی از کارشناسان، بن سلمان به مردم خود اعلام جنگ کرده است. آن هم جنگی که در دهه‌های اخیر این کشور سابقه نداشته است. شدت این سرکوب‌ها به گونه‌ای است که اکنون ۲۹ درصد ساکنان عوامیه یا از این شهر گریخته یا کوچ کرده‌اند. از طرفی دیگر، محمد بن سلمان پیش از تصدی ولیعهدی عربستان، مهم‌ترین مشاور پدرش، سلمان بن عبدالعزيز، پادشاه کنونی سعودی‌ها قلمداد

می‌شد. این مسئله، در سرکوب و انزوای بسیاری از نیروهای مخالف، همچون شیخ باقر نمر الباقر، روحانی برجسته شیعیان عربستان، مشاهده شد (موتقی گیلانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۸-۱۰۷).

نظام سعودی محدودیت‌ها و موانع بسیار زیادی را برای آزادی بیان و مطبوعات وضع می‌کند. دولت مالکیت پخش و نشر محصولات رسانه‌ای را در اختیار دارد که به سانسور شدید منجر می‌شود. در این شرایط، آشکار کردن اقدامات دولت برای مانع تراشی جهت آزادی بیان، به حداقل ممکن می‌رسد. به‌رحال دولت عربستان تنها به سانسور رسانه‌های اجتماعی و دنیای اینترنت اکتفا نمی‌کند و برای کنترل اطلاعات به مسدود کردن پایگاه‌های اینترنتی خاص نیز مبادرت می‌ورزد. در بسیاری از مواقع، مقامات رسمی و کارمندان ارشد دولت عربستان به عموم مردم درباره عدم صحت برخی از گزارش‌های موجود در اینترنت هشدار می‌دهند و به آن‌ها گوشزد می‌کنند که انتقادات وارده به‌نظام سیاسی و دولت نباید از طریق کانال‌های شخصی در دسترس باشد. دولت صاحب بیشتر رسانه‌های خبری و امکانات مربوط به چاپ کتاب در سراسر کشور است و اعضای خانواده سلطنتی بیشتر رسانه‌های تأثیرگذار را که اسما مستقل هستند، مانند روزنامه‌های پان عرب از قبیل الشرق الاوسط والحیاه، را در اختیار دارند. به همین منوال حکومت بیشتر برنامه‌های داخلی و خارجی رادیو و تلویزیون را تولید، اجرا و سانسور می‌کند (میرزایی و داوند، ۱۳۹۴: ۷۵).

۲. نسل دوم حقوق بشر

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد این نسل از حقوق بر اصل برابری و برخورداری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد و از همین رو، برای بررسی بیشتر به وضعیت زنان، طبقات اجتماعی و فساد دولتی پرداخته می‌شود:

الف) وضعیت زنان

فاتن عبار که در یک سازمان بین‌المللی فعال در زمینه زنان و خانواده کار می‌کند، می‌گوید: «تضادها مربوط به قوانین اسلام نیست بلکه مربوط به فرهنگ مردسالار پیش از اسلام» است. مسئله اصلی به نوع برداشت از اسلام و مردانه بودن این برداشت برمی‌گردد. اگر اسلام را مطالعه کنید می‌بینید که زنان از حق اشتغال برخوردارند و به آنها اجازه داده شده که بیرون از خانه کار کنند. در زمان پیامبر هم زنان و مردان در کنار یکدیگر می‌نشستند و آموزش می‌دیدند. پس چرا امروز باید از هم جدا باشیم؟ اسلام این حقوق را برای زن در نظر گرفته اما دولت‌ها زمینه تحقق این حقوق را فراهم نمی‌کنند؛ نه در حوزه اشتغال و سیاست و نه در حوزه‌های اقتصادی و آموزشی (عبداله پور، ۱۳۸۷: ۱۲۹)؛ بنابراین، زنان در نظام پادشاهی عربستان با تبعیض روبرو هستند. پیامد این تبعیضات در سراسر مراحل زندگی آنان مانند آموزش، وضعیت شغلی و خانواده محسوس است. باین حال، شاهد آن هستیم که قوانینی در حمایت از زنان تصویب شده است:

قوانین تصویب شده در حمایت از زنان در دوره ملک عبدالله

قانون	سال	نتیجه
۱	۲۰۰۶	پروپوزیشن کامل به کنوانسیون حقوق زنان
۲	۲۰۰۶	تأسیس انجمن حقوق بشر زنان
۳	۲۰۰۶	صدور کارت شناسایی برای زنان
۴	۲۰۱۰	مشارکت زنان در مدیریت
۵	۲۰۱۳	منع خشونت علیه زنان
۶	۲۰۱۴	اجازه حق وکالت و قضاوت به زنان

(طالبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۰-۱۱۹)

قوانین تصویب شده در حمایت از حقوق زنان در دوره ملک سلمان

۲۰۱۷	انتخاب اولین زن در مقام رئیس بورس	۱
۲۰۱۷	اجازه رانندگی بدون نیاز به اجازه یا حضور قیم	۲
۲۰۱۸	ورود به ورزشگاه و کنسرت	۳
۲۰۱۸	اجازه دریافت مجوز کسب و کار	۴
۲۰۱۸	ارتقای شغلی (وکالت)	۵
۲۰۱۸	صدور فتوا	۶
۲۰۱۸	استخدام در ارتش	۷

(پیشین)

ب) تضاد طبقاتی و فساد دولتی

در کشورهایی که ساختار اقتصادی متکی به درآمد نفت است بین توزیع درآمد و کسانی که این درآمد را توزیع می کنند یک رابطه ایجاد می شود و رانت خواری یک بلیه عمومی می شود. قوانین شفاف نیست و تقسیم منابع با اراده سیاسی انجام می گیرد. در این ساختار هر کس به رأس نزدیک تر باشد به رانت بیشتری دسترسی دارد و رقابت برای رانت به ایجاد فساد منجر می شود. وابستگی ساختاری اقتصاد عربستان به نفت باعث پدید آمدن مشکلات عدم توزیع مناسب و عادلانه درآمدهای این محصول است. این موضوع باعث افزایش فاصله طبقاتی و توسعه شکاف میان فقیر و غنی شده است. درآمدهای نفتی دو مشکل عمده را در مسائل اقتصادی و اجتماعی ایجاد کرده است: اول وابستگی ساختاری به بازار جهانی و نوسانات قیمت نفت، دوم توسعه سرمایه داری تجاری وابسته به جای تولید. افزایش واردات، رواج الگوی مصرفی، تضاد طبقاتی و فساد در بخش های غیرنفتی قدرت که شاهزادگان به طور مستقیم و غیرمستقیم در آن نقش دارند، قابل توجه است. علاوه بر این نزدیک به هفت هزار شاهزاده آل سعود در بخش های مختلف اجرایی کشور معجزی اند و ائتلاف های عمده با تکنوکرات ها، بازرگانان برجسته و سایر گروه های قدرتمند کشور دارند (موثقی گیلانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۳ و ۱۰۶). علاوه بر آن، بیش از ۵۰ درصد نیروی

کار این کشور از کارگران خارجی تشکیل می‌شود. به گزارش سازمان غیردولتی دیدبان حقوق بشر، بیش از ۸ میلیون کارگر خارجی در عربستان در بسیاری از مواقع از سو استفاده‌ها و بهره‌کشی‌های مختلف رنج می‌برند که گاهی شرایط آن‌ها به بردگی می‌ماند. همچنین حدوداً ۱.۵ میلیون کارگر مهاجر، از قانون کار ۲۰۰۵، محروم مانده‌اند. در ضمن طبق روال سال‌های گذشته، سفارت‌خانه‌های آسیایی هزاران شکایت از کارگران خانگی که مجبور به کارتا ۱۵ الی ۲۰ ساعت در روز و سراسر هفته هستند، دریافت می‌کنند (میرزایی و داوند ۱۳۹۴: ۷۷).

۲. نسل سوم حقوق بشر

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد این نسل از حقوق بر مسئولیت‌های افراد و گروه‌ها و اهمیت راه‌حل‌های بین‌المللی جهت حفاظت از حقوق بشر دلالت دارد. برای بررسی این بخش به عملکرد عربستان در سیاست خارجی توجه می‌گردد. باید گفت هیچ سازمان غیردولتی حقوق بشری به‌طور مستقیم در عربستان سعودی به ثبت نرسید است. به‌عنوان مثال سازمان بین‌المللی غیردولتی اولین جامعه حقوق بشر عربستان سعودی از سال ۲۰۰۲ هرگز موفق به اخذ مجوز نشده است. به همین ترتیب انجمن حقوق سیاسی و مدنی ارسال ۲۰۰۹ ناکام از کسب مجوز بوده است. همچنین کارکنان بعضی از این سازمان‌ها به شکل خودسرانه دستگیر و روانه زندان می‌شوند. در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ چندین مدافع فعال حقوق اقلیت شیعه در عربستان بازداشت و ظالمانه به زندان منتقل شدند (پیشین، ۷۹-۷۸). در سیاست خارجی نیز عربستان نقش مهمی در بی‌ثباتی دیگر کشورها چون سوریه و یمن با عملیات سخت و نیمه سخت نیز داشته است. مهم‌ترین اقدامات سعودی عبارت‌اند از: ائتلاف‌سازی نظامی و کسب حمایت سیاسی، محاصره اقتصادی و نظامی، بی‌اعتنایی به هنجارهای حقوقی و انسانی بین‌المللی، کسب حمایت سازمان‌ها و قدرت‌های بین‌المللی، جبهه‌بندی سیاسی و مذهبی، جنگ روانی و رسانه‌ای، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و

دولتی، حمله نظامی و کشتار غیرنظامیان، مشروعیت زدایی از بازیگران مستقل و طرح دولت سازی نوین (ر.ک التیامی نیا و همکاران، ۱۳۹۵:۱۸۵).

گزارش‌های بین‌المللی نسبت به حقوق بشر در عربستان

پارلمان اتحادیه اروپا در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۴ قطعنامه‌ای را علیه عربستان سعودی تحت عنوان ارتباط عربستان سعودی با اتحادیه اروپا و نقش آن در خاورمیانه و شمال آفریقا تصویب نمود. این قطعنامه موضوعاتی از قبیل توافقنامه تجارت آزاد، توافقنامه همکاری اتحادیه اروپا - شورای همکاری خلیج فارس و مباحث حقوق بشری را در برمی‌گیرد. قطعنامه مذکور دارای یک مقدمه و ۴۹ بند است، که مباحث و موضوعات حقوق بشری بیشترین مواد آن را در بر گرفته است. پارلمان اروپا در این قطعنامه در ارتباط با موارد نقض حقوق بشر در عربستان سعودی نظیر بازداشت‌های خودسرانه، حبس زندانیان عقیدتی و مدافعان حقوق بشر، مجازات اعدام، سنگسار، اعدام متخلفان نوجوان زیر ۱۸ سال، شکنجه زندانیان و بازداشت‌شدگان، محاکمه غیرعادلانه قضایی، منع آزادی بیان، منع آزادی رسانه‌ها، مطبوعات و شبکه اجتماعی مجازی به شدت احساس نگرانی می‌کند. اتحادیه اروپا، از مقامات حکومت عربستان می‌خواهد که به‌عنوان عضوی از شورای حقوق بشر سازمان ملل به اصول حقوق بشر و دموکراسی احترام و ارزش نهاده و چندین سند مهم حقوق بشر مانند منشور حقوق بشر عرب، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون منع شکنجه و کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان را محترم بشمارند و اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری را امضاء و تصویب نماید. همچنین سیستم قضایی بر مبنای قوانین شریعتشان را از طریق آشنایی با استانداردهای بین‌المللی از جمله فرآیند دستگیری، حبس، محاکمه و حقوق زندانیان، بهبود و ارتقاء بخشند. در این قطعنامه اتحادیه اروپا به این نکته اشاره دارد که با توجه به اصلاحات تدریجی و متوسطی که از سال ۲۰۰۱ در عربستان انجام پذیرفته، از آنجا که آن اصلاحات هنوز نهادینه نشده‌اند، به آسانی می‌توانند به حالت قبل

بازگردند. ضمناً بیان می‌کند که سابقه حقوق بشر در این کشور تاریک بوده و یک شکاف اساسی بین تعهدات بین‌المللی و اجرایی شدن آن‌ها در عربستان وجود دارد. همچنین به‌رغم اینکه از دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، به همه دولت‌ها اعلانی مبتنی بر تمدید دعوت‌نامه رسمی به گزارشگران ویژه ابلاغ شده بود، مقامات عربستان سعودی دعوت‌نامه گزارشگر ویژه سازمان ملل در ارتباط با موضوع شکنجه و مدافعان حقوق بشر را ارسال ننموده‌اند (عباسی و عزیزی، ۱۳۹۷: ۱۲۱-۱۲۰).

گزارش حقوق بشری که توسط وزارت خارجه آمریکا منتشر شده است؛ نیز بیانگر فضای بسته سیاسی - اجتماعی در عربستان و اقتدارگرایی رژیم سعودی است. بر اساس این گزارش که در سال ۲۰۱۳ انتشار یافت، مهم‌ترین مشکلات حقوق بشری در عربستان شامل طیف وسیعی از مسائل از جمله: نبود ابزار و راهکارهایی برای شهروندان به‌منظور تغییر حکومت، محدودیت‌های گسترده بر حقوق جهانی همچون آزادی بیان، آزادی فضای مجازی، آزادی اجتماعات، آزادی سازمان‌ها و جنبش‌ها، آزادی مذهبی و نبود حقوق برابر برای زنان، کودکان و کارگران غیر عربستانی هستند. علاوه بر این، مشکلاتی همچون شکنجه و بدرفتاری در مراکز بازداشت و زندان‌ها، بازداشت فعالان سیاسی بدون طی مراحل حقوقی، بازداشت‌های خودسرانه، ورود خودسرانه به محافل خصوصی، خانه‌ها و مراکز خبری، خشونت علیه زنان، تبعیض جنسیتی، مذهبی، قومی و نژادی از جمله مهم‌ترین موارد نقض حقوق بشر در عربستان است (جعفری ولدانی و جعفری، ۱۳۹۵: ۲۱۲).

بر اساس گزارش سازمان ملل نیروهای ائتلاف تحت رهبری عربستان، به کشتار غیرنظامیان در جنگ و ارتکاب نقض‌های جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی ادامه می‌دهند. نیروهای ائتلاف، مناطق تحت کنترل حوثی‌ها و یا مناطقی که نیروهای حوثی در آن حضور دارند را بمباران هوایی می‌کنند. خصوصاً در صنعا، تعز، حجه، حدیده و صعده که باعث کشتار و جراحت هزاران غیرنظامی شده است. دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۶، ۵۸ حمله هوایی غیرقانونی توسط ائتلاف را گزارش کرده است که منجر به کشته

شدن نزدیک به ۸۰۰ غیرنظامی و ویرانی خانه‌ها و مغازه‌ها و بیمارستان‌ها و مدارس و مغازه‌ها و مساجد آن‌ها شده است. در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ نیز صدها غیرنظامی کشته شده‌اند (ر.ک حشمت، ۱۳۹۷: ۷۱-۷۰). دیدبان حقوق بشر در گزارشی در ۲۰۱۷ بیان کرده است که نیروهای ائتلاف حداقل ۱۶ بار از سلاح‌های خوشه‌ای در حمله به مناطق پرجمعیت غیرنظامی استفاده کرده است (پیشین، ۷۵). به گفته سایت پزشکان بدون مرز در طول سه سال جنگ یمن نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان به هواپیماهای این سازمان اجازه ورود نداده‌اند و مستقیماً از امکان سازمان برای ارائه کمک‌های پزشکی بشردوستانه به جمعیتی که هم‌اکنون بشدت به آن نیازمند هستند، خودداری کردند. این اقدامات باعث گرسنگی میلیون‌ها نفر به خاطر نبودن غذای کافی و شیوع بیماری‌ها به لحاظ نبود دارو و امکانات بهداشتی خواهد شد. این‌گونه اقدامات با اصل انسانی بی‌طرفی که بیان می‌کند، کمک‌ها بدون در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی باید به کسانی که به آن نیاز بیشتری دارند برسد، منافات دارد (پیشین، ۷۹-۷۸). دبیر کل سازمان ملل متحد، حوثی‌ها، نیروهای دولتی، شبه نظامیان طرفدار دولت، القاعده در شبه‌جزیره عربستان و برای اولین بار نیروهای ائتلاف تحت رهبری عربستان را در فهرست ننگ برای نقض‌های اساسی علیه کودکان در طول مخاصمات مسلحانه قرار داد و ائتلاف را مسئول کشتار و مجروح شدن کودکان و مسئول نیمی از حملات به بیمارستان‌ها و مدارس دانست (پیشین، ۸۱).

جمع بندی

این پژوهش به بحث چارچوب نظری حقوق بشر پرداخت که بر اساس آن از نظریه نسل‌های سه گانه حقوق بشر بهره گرفت. منظور از نسل اول حقوق بشر، همانا حق‌ها و آزادی‌های سیاسی - مدنی است. حق‌هایی از قبیل آزادی‌های مذهبی، آزادی بیان، مصونیت از بازداشت خودسرانه و بدون دلیل، حق رأی، آزادی تردد و انتخاب محل اقامت به این نسل از حقوق بشر تعلق دارند. نسل دوم حقوق بشر حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شوند که شامل حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش، حق بهره‌مندی از مسکن مناسب، مراقبت‌های بهداشتی، حق کار و حق بهره‌مندی از حداقل امکانات معیشتی مثال‌های این نسل از حقوق بشر هستند. درحالی‌که نسل اول نوعاً بر عدم مداخله دولت و دیگر افراد تأکید دارد، حق‌های نسل دوم مستلزم مداخله و حمایت دولت‌ها است. از همین رو تفکیک مزبور از نظر اخلاقی دارای اهمیت است. نسل سوم حقوق بشر ماهیتی جمع‌گرایانه دارند و حق‌هایی همچون حق بر محیط‌زیست سالم، حق بر صلح و یا حق بر توسعه را در برمی‌گیرند (ابوصدیق منسرای، ۱۳۸۶: ۷۱). با بررسی وضعیت عربستان مشخص شد که هیچ انتخابات دموکراتیکی در عربستان در سطح ملی برگزار نمی‌شود. اقلیت‌ها و زنان دارای محدودیت‌هایی هستند و شکاف طبقاتی و اجتماعی نیز به سبب ساختار نظام و اتکای اقتصاد به درآمد نفتی وجود دارد. پژوهش به این نتیجه می‌رسد که عناصر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در عربستان سعودی و همین‌طور رهیافت‌هایی از قبیل محرومیت اقلیت‌ها، حقوق زنان، جوانی جمعیت، مسئله نفت و همین‌طور آسیب‌های اجتماعی و جامعه‌شناختی که در حکومت عربستان سعودی وجود دارد نمی‌تواند هیچ‌کدام از آن‌ها را عامل اصلی در نقض حقوق مدنی و سیاسی برشمرد چراکه همه آن‌ها مکمل یکدیگر هستند و بحث حقوق بشر در ترکیب این عوامل قابل‌بیان است. علی‌رغم دامنه شکاف‌ها با شیعیان عربستان، شاهزاده‌های سعودی و درنهایت ترور و اعدام شخصیت‌های مذهبی و مدنی مهم این کشور همچون شیخ باقر نمر و جمال خاشقجی یا

دست داشتن ائتلاف سعودی در جنایاتی در حق کودکان یمن، در سیاست خارجی و حمایت‌های آمریکا و سرپوش گذاشتن بر اقدامات این کشور، ابزارهای فشار بر عربستان با پیچیدگی‌هایی همراه شده است. در تابستان ۱۳۹۶ سازمان‌های حقوق بشری از مجمع عموم سازمان ملل متحد خواسته‌اند تا عضویت عربستان سعودی در شورای حقوق بشر را به حالت تعلیق درآورد (عالی پور و یکرنگی، ۱۳۹۶: ۷۹). سازمان ملل نخستین بار در سال ۲۰۱۶ و در زمان ریاست «بان کی مون» بر این سازمان عربستان سعودی را برای مدت کوتاهی در فهرست سیاه ناقضان حقوق کودک قرار داد. سازمان ملل اکتبر سال ۲۰۱۷ ائتلاف سعودی را به دلیل کشتن و مجروح کردن ۶۸۳ کودک در یمن و حمله به ده‌ها مدرسه و بیمارستان در این لیست سیاه قرار داده بود. ریاض فشارهای خود بر سازمان ملل برای حذف نامش از این لیست را تشدید کرد. بعد از تهدید و فشار مقامات سعودی، «بان کی مون» با صدور بیانیه‌ای و تنها با هدف جلب رضایت کشور پادشاهی عربستان سعودی، اعلام کرد، تصمیم بر این گرفته شد تا نام ائتلافی را که عربستان سعودی بر ضد تروریسم بر عهده دارد، از فهرست سیاه ناقضان حقوق کودکان به صورت موقت به منظور بررسی آتی این مسئله حذف کند (صادقی و هادیان، ۱۳۹۸: ۸۲-۸۱). این مسئله ضمن نشان از ناکارآمدی سازمان ملل، چهره استثناگرایانه و انحصاری این سازمان را بیش‌ازپیش برای جامعه جهانی و اعضای سازمان نمایان کرد؛ بنابراین، بحث حقوق بشر را باید از سه دریچه شرایط داخلی، حمایت کشورهای چوون آمریکا و ضعف سازمان ملل نگریست.

منابع

- التیامی نیا، رضا؛ باقری دولت آبادی، علی؛ نیک فر، جاسب (۱۳۹۵)، بحران یمن: بررسی زمینه‌ها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و امریکا، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۴۸، صص ۱۹۸-۱۷۱
- جعفری ولدانی، اصغر؛ جعفری، هرمز (۱۳۹۵)، بنیان‌های حفظ ثبات سیاسی در عربستان (۲۰۱۵-۲۰۱۱)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵، صص ۲۱۶-۱۸۹
- حشمت، فهیمه (۱۳۹۷)، واکاوی اقدامات نظامی ائتلاف به رهبری عربستان در یمن از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی‌ودوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷، صص ۵۷-۸۶
- رضوانی فر، اسماعیل (۱۳۹۲)، چالش‌های سیاسی و اجتماعی عربستان در پرتو بیداری اسلامی، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۹، ۱۳۸-۱۲۵.
- زراعت پیشه، نجف (۱۳۸۴)، برآورد استراتژیک عربستان سعودی (سرزمینی-سیاسی)، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- سجادپور، سید محمد کاظم؛ محمدی، فاطمه (۱۳۹۱)، حقوق بشر و سیاست خارجی: چهارچوب‌های مفهومی و عملیاتی، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ویک، شماره ۶۳، تابستان ۱۳۹۱، صص ۲۶۸-۲۴۳
- صادقی، علی؛ هادیان، زهرا (۱۳۹۸)، «بحران ژئوپلیتیک یمن» نمونه‌ای از ناکارآمدی نظام بین‌الملل در برقراری صلح عادلانه و حفظ کرامت انسانی، فصلنامه پویا در آموزش علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۸، صص ۸۴-۷۱
- طالبی، عباسعلی؛ جلالی، رضا؛ ساجدی، امیر (۱۳۹۷)، بررسی تعاملات عربستان با شورای حقوق بشر، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۲۷-۹۷
- عالی پور، حسن؛ یکرنگی، محمد (۱۳۹۶)، نظام حقوقی و حقوق بشر در عربستان، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶، شماره مسلسل ۷۵، صص ۸۲-۵۶
- عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران: نشر دادگستر

عباسی، مجید؛ عزیزی، احمد (۱۳۹۷)، سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا مطالعه تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، فصلنامه سیاست خارجی، تابستان ۱۳۹۷، سال سی و دوم - شماره ۲، صص ۱۳۰-۱۰۳

عبداله پور، نازی (۱۳۸۷)، مقایسه تطبیقی وضعیت زنان کشور عربستان با وضعیت ایده آل زن مسلمان، فصلنامه زن و مطالعات خانواده، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۷، صص ۱۵۱-۱۲۵
فروغی نیا، حسین (۱۳۹۱)، بین‌المللی شدن حقوق بشر و دگردیسی در مفهوم حاکمیت دولت‌ها در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، پاییز ۱۳۹۱، صص ۱۸۸-۱۶۱
قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر، جلد ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش

محسنی، محمد سالم؛ طالبی، محمدحسین (۱۳۹۷)، چیستی حقوق بشر، دو فصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، سال ۱۲، شماره ۳۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۸-۵
موتقی گیلاتی، سید احمد؛ عبادی، روح اله؛ فعال نظری، سید علی (۱۳۹۸)، نقش ساختار اقتصادی بر تداوم شکاف‌های اجتماعی عربستان سعودی، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۲۰-۹۵

میرزایی، جلال؛ داوند، محمد (۱۳۹۴)، بررسی و تحلیل عملکرد سازمان عفو بین‌الملل در ارتباط با رصد وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۴، صص ۸۸-۷۱

نادر پور، بابک؛ مقصودی، مجتبی (۱۳۹۲)، هویت‌ها، تفاوت‌ها و جهان‌شمولی حقوق بشر (با تأکید بر هویت‌های دینی و قومی ایران)، حقوق بشر، جلد ۸، شماره ۱ و ۲، صص ۱۶۲-۱۲۳

نژندی منش، هیبت الله؛ فیروزی، زینب (۱۳۹۶)، بررسی آزادی مذهب در ژئوپلیتیک مذهبی عربستان سعودی با تأکید بر چارچوب حقوق مذهبی مورد حمایت سازمان ملل متحد، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی سال دهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۶، صص ۱۸۹-۱۵۹

نساج، حمید، باقری اژی، ابوالفضل، آئینه وند، حسن (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی ایده کازانسیتان رالز و الگوی حکمرانی در جهان اهل سنت: مطالعه موردی؛ ترکیه و عربستان، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۳، پیاپی، ۱۷۱-۱۴۳.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان، چاپ اول
همیانی، مسعود (۱۳۹۴)، تغییر جهت در سیاست خارجی عربستان سعودی: از استراتژی موازنه تا
رهبری ائتلاف، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، صص ۷۴-۵۳
یزدانی، عنایت الله، (۱۳۹۵)، تاثیر بحران‌های داخلی عربستان بر وقوع و مدیریت فاجعه منا،
فصلنامه علوم سیاسی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، ۷-۳۲.

Ibrahim,P,N,(2006).Turkey,s Transformation under the AKP Rule.
The Muslim world, 96(3), 486-469.

Korany,B.(1999)Les regims politiques Arabs,Maurice Flory E T les
Autoes. Paris: pressws university de france.